

جلسه ۲۰-۷۳۳

چهارشنبه - ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

- ۱.....تقدم دلیل حرمت عدول بر دلیل وجوب وفاء به نذر
- ۴.....محقق خوئی: احتیاط به خواندن نماز دوم با سوره منذوره است
- ۵.....کلام محقق حکیم
- ۷.....اشکال اول
- ۷.....اشکال دوم
- ۸.....اشکال سوم

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث در این بود که اگر کسی نذر کند مثلاً در نماز صبح سوره فجر بخواند، نماز صبح را شروع کرد یادش رفت گفت بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد، یادش آمد نذرش، یا سوره دیگری خواند مثل کوثر، از نصفش یا از دو سومش رد شد که دیگر عدول جایز نیست به سوره دیگر، یادش آمد نذر کرده بوده سوره فجر بخواند.

صاحب عروه فرموده که این جا ما ملتزم می شویم عدول جایز است به سوره دیگر. آقای سیستانی فکر می کنند صاحب عروه می خواهد بگوید جایز است نه واجب و یا حرام. ولی بعید نیست همان طور که آقای خوئی هم فهمیدند این جواز، جواز بالمعنی الاعم باشد، جایز است یعنی حرام نیست، منافات ندارد که بخاطر وفاء به نذر واجب هم بشود.

تقدم دلیل حرمت عدول بر دلیل وجوب وفاء به نذر

بهر حال اشکالی که به صاحب عروه شده این است که چطور شما با توجه به این که حرام هست عدول از سوره توحید دلیل وجوب وفاء به نذر را می آید مقدم می کنید بر دلیل حرمت عدول، وجهش چیست؟ بزرگانی مثل مرحوم نائینی، مرحوم آقای بروجردی، امام، آقای خوئی، این اشکال را دارند که وجهی ندارد شما دلیل وجوب وفاء به نذر را این جا به آن تمسک کنید. چرا؟ برای این که دلیل وجوب وفاء به نذر شرطش این است که نذر موجب ترک واجب یا ارتکاب حرام در ظرف وفاء به نذر نباشد. زنی نذر که می کند کنس مسجد می کند پاک است ولی وقتی می خواهد برود کنس مسجد بکند حیض می شود، جایز نیست برود کنس مسجد کند، نذرش منحل است چون در ظرف وفاء به نذر حرام است بر او توقف در مسجد و وفاء به این نذر. اصلاً لله علیّ می گوید باید متعلق نذر راجح باشد.

حالا اگر نذر هم نبود، شرط در ضمن عقد بود باید متعلق شرط محلل حرام نباشد. یعنی نذر دو شرط دارد: شرط اول در کل قراردادها هست، در کل عقد و ایقاعها هست که محلل حرام نباشد، نذر اضافه بر آن شرطش این است که متعلقش راجح باشد. حالا ما کار نداریم این که متعلق نذر باید راجح باشد لااقل باید متعلقش مستلزم ترک واجب یا ارتکاب حرام نباشد، شرط الله قبل شرطکم، یعنی حکم خدا مقدم است بر قرارهایی که خودتان می گذارید.

من وقتی نذر کردم سوره فجر بخوانم در نماز صبح، اما بعد فراموش کردم، زمانی ملتفت شدم که سوره توحید را شروع کردم و اگر نذر من این بود که در این نماز که شروع کردم، در همان سوره اول سوره فجر بخوانم، این نذر قابل وفاء نیست چون حرام است عدول کنم از سوره توحید به سوره فجر، عمل به این نذر مستلزم حرامی است به نام عدول از سوره توحید. اگر عدول از سوره توحید حرام تکلیفی باشد که واضح است چون وفاء به نذر مستلزم ارتکاب حرام تکلیفی است، اگر عدول از سوره توحید حرام وضعی است یعنی نماز را باطل می کند که اصلا وفاء به نذر ممکن نیست چون من نذر نکردم سوره فجر را در نماز باطل بخوانم، من اگر عدول کنم از سوره توحید به سوره فجر نمازم باطل می شود، در نماز باطل سوره فجر خواندن که مور نظر من نبود. و همین طور است اگر بگوییم اتمام سوره توحید واجب است، من نذر بکنم سوره فجر را بعد از شروع در سوره توحید یادم بیاید، وفاء به این نذر مستلزم ترک واجبی است به نام اتمام سوره توحید چه بگوییم واجب تکلیفی است چه بگوییم واجب وضعی است، چون اگر بگوییم واجب وضعی یعنی نمازم باطل است و اگر نمازم باطل باشد دیگر سوره فجر خواندن مهم نیست، در نماز باطل چه ارزشی دارد.

بله، در دو فرض وفاء به نذر واجب می شود: یک: متعلق نذر من این نباشد که سوره فجر را به عنوان اولین سوره بعد از سوره حمد بخوانم، نذر کردم سوره فجر را در نماز صبحم بخوانم، البته الان منصرف از این نذر این است که فقط سوره واحده ای که می خوانم بعد از حمد سوره فجر باشد، ولی اگر کسی ملتفت بود نذر کرد سوره فجر را بخواند لابتشرط از این که سوره اول باشد یا سوره دوم باشد در همین نماز وفاء به نذر ممکن است، سوره توحید را تمام می کند، سوره فجر را شروع می کند می شود قران بین السورتین، قران بین السورتین ما قبلا گفتیم حرام نیست. مکروه است آن هم مکروه به معنای قلت ثواب. [سؤال: ... جواب:] اگر شما نذر کنی دو رکعت نماز در حمام بخوانی این نذر منعقد نمی شود؟ مگر حتما باید نذر ما تعلق بگیرد به افضل الافراد؟ یک وقت نذر می کنید من نماز صبحم را نمی خوانم مگر در حمام، این نذر مرجوح است، یک وقت نه، می گوئید من نماز در حمام بخوانم، دو رکعت نماز در حمام بخوانم این نذر متعلقش راجح است، بله ارجح از او هم داریم که نماز در مسجد باشد، شما که نذر می کنید شب جمعه جمکران بروید نذرتان منعقد می شود، اما آیا افضل از جمکران رفتن این نیست که حرم حضرت معصومه بروید، افضل از آن این نیست که کربلا بروید؟ لازم که نیست متعلق

نذر افضل الاشياء باشد، باید فی حد ذاته راجح باشد و لو ارجح از او موجود باشد. اینی که قلت ثواب دارد یعنی محبوب مولی است منتها از او محبوب تر هم داریم.

[سؤال: ... جواب:] این آقا نذر که نکرد که من حتما قران بین السورتین می کنم، این جور که نذر نکرد، گفت من سوره فجر می خوانم حالا الان اتفاق افتاده یک مصداقش شده خواندن سوره فجر بعد از سوره توحید، این هم که فی حد ذاته محبوب است، مشکلی ندارد. ... این نماز راجح است، ارجح از او هم وجود دارد. حالا فعلا در مقام وفاء شما باید این نذرت را در ضمن یک فردی که غیر ارجح است پیاده کنی، این که مشکلی ندارد. نه محلل حرام است نه مانع از صدق لله علی است.

فرض دوم این است که بگویند در طبیعی نماز صبح امروز من سوره فجر می خوانم نه در این نماز که الان شروع کردم. این که خیلی امرش واضح است، می شود وفاء کند به این نذر حتی اگر قران بین السورتین حرام باشد یا مکروه اصطلاحی باشد یا مکروه به معنای قلت ثواب باشد و ما بگوییم این هم مانع است از وفاء به نذر. باز می تواند این نماز را رها کند قطع کند و یک نماز صبح دیگری بخواند با سوره فجر. چرا این جا ما ملتزم می شویم وفاء به نذر واجب نیست؟

بله، مقدمه وفاء به این نماز قطع این نماز است، ولی قطع این نماز که حرام نیست در این حال چون عرض کردیم دلیل حرمت قطع نماز اجماع است و اجماع دلیل لبی است شامل این مورد نمی شود. و کمتر از این مورد را شارع تجویز کرده نماز را قطع کنی برای این که صد هزار تومان از یکی طلب داری از کنار شما رد شد اگر بخواهی طلبت را وصول کنی عیب ندارد نمازت را بشکن برو صد هزار تومان را زنده کن بیا یک نماز دیگر بخوان، برای صد هزار تومان می گویند می توانی نمازت را قطع کنی، برای وفاء به نذر ندارد؟ عرفا این یک حاجتی است، برای حاجت انسان می تواند نمازش را قطع کند. مهم این است که دلیل حرمت قطع اجماع است که دلیل لبی است شامل این جاها نمی شود. قدرمقیّن از اجماع بر حرمت قطع جایی است که هیچ عذر عرفی نداری، یک نمازی صحیح است واقعا و ظاهرا، هیچ عذر عرفی هم نداری، می خواهی این نماز را قطع کنی، این جا قدرمقیّن از اجماع بر حرمت قطع است، ولی ما این جا عذر عرفی لااقل داریم، عذر شرعی هم داریم، می خواهیم وفاء به نذر کنیم.

[سؤال: ... جواب:] ما نذر کردیم در نماز صبح امروز سوره فجر بخوانیم نه این نماز صبحی که الان در ساعت پنج صبح شروع کردم، این را قصد می کنم ساعت پنج و پنج دقیقه نماز صبح می خوانم، آن هم نماز صبح است، در این نماز وفاء به نذر می کنم.

[سؤال: ... جواب:] این بحث دیگری است. شما می فرمایید در این دو فرض گفتید باید وفاء به نذر بکند، اگر حالا آمد وفاء به نذر نکرد، همان نماز صبح را ادامه داد گفت ولش کن ما که سوره توحید را شروع کردیم حال کلک زدن ندارم، وفاء به نذر نمی کنیم حالا کفاره اش را می دهیم. امام و آقای زنجانی می گویند کفاره حنث نذر کفاره حنث یمین است، ده تا فقیر را هم اطعام کنید کافی است، می گویند حالا ده تا فقیر را هم اطعام می کنیم، برایش آسان است حنث نذر، نماز صبح را با سوره توحید

۴ مسائل

تمام می‌کند، راجع به این که این نماز صبح با سوره توحید بر خلاف مفاد نذر اگر کرد صحیح است یا نه، راجع به او بحث کنیم؟ بله، صحیح است، راجع به او بحثی نداریم. امر به شیء که مقتضی نهی از ضدش نیست.

[سؤال: ... جواب:] شما می‌فرمایید اصلاً دلیل نهی از عدول اطلاق ندارد نسبت به این نذر، این وجهی ندارد. چرا اطلاق ندارد؟ دلیل وجوب وفاء به نذر در طول احکام خداست، یکی از احکام خدا این است که حرام است عدول از سوره توحید به سوره دیگر.

[سؤال: ... جواب:] اگر شما ملتفت هستید که نذر کردید عمداً سوره توحید بخوانید این تعجیز نفس است اما اگر سهواً سوره توحید را شروع بکنید این که تعجیز نفس نیست، توجه نداشتید و لذا بعد از شروع در این سوره توحید حرام می‌شود عدول به حکم ابتدایی دین و حکم ابتدایی دین بر حکم الزامی دین به وفاء به نذر هم مانند آن مقدم است، شرط الله قبل شرطکم. این را من توضیح خواهم داد.

محقق خوئی: احتیاط به خواندن نماز دوم با سوره منذوره است

ما یک نکته هم بگوییم: مرحوم آقای خوئی استظهارش از نذر همین نذر سوره فجر در طبعی صلات است، می‌گوید ظاهر نذر این است، آدم نذر می‌کند طبعی صلات صبح را با سوره فجر بخواند و لذا اقوی و اظهر این است که قطع این نماز جایز است مقدمتاً برای خواندن نماز صبحی که با سوره فجر باشد. بعد فرموده: حالا چه اشکال دارد یکی احتیاط بکند، در این نمازش سوره فجر را بخواند، حرف صاحب عروه را زمین نزنند، بالاخره پیشکوست ما هست، صاحب عروه فقیه است ایشان گفته عدول کن به سوره فجر، چشم، در این نماز عدول می‌کنیم به سوره فجر، ولی گوش به حرف ما هم بده، ما درست است پیشکوست نیستیم ولی ما هم حرفی داریم برای خودمان، یک نماز دیگر هم به عنوان نماز صبح با سوره فجر بخوان، این فرمایش آقای خوئی است. چرا این را آقای خوئی فرموده؟ چون ظاهر صاحب عروه و صریح کلام خود آقای خوئی این است که حرمت هم اگر داشته باشد عدول از سوره توحید به سوره فجر این حرمت وضعیه است نه حرمت تکلیفیه. چون حرمت وضعیه است لذا آقای خوئی می‌گوید اگر حرف صاحب عروه درست باشد که اصلاً عدول از این سوره توحید به سوره فجر که نذر کردیم اصلاً حرام وضعی نیست که با نماز اول وفاء به نذر کردیم، نماز دوم ما می‌شود لغو، اگر حرف ما درست باشد که می‌گوییم حتی در این حال هم عدول حرام وضعی است، خب با عدول نمازت را باطل کردی، با نماز دوم که می‌خوانی با سوره فجر وفاء به نذر کردی.

یا حرف صاحب عروه درست است که می‌گوید جایز است عدول از این سوره توحید به سوره فجر که در نماز اول عدول کردیم به سوره فجر و به نظر صاحب عروه این نماز صحیح است و نیازی به نماز دوم نیست. اگر حرف من آقای خوئی صحیح باشد که این عدول حرام وضعی است، من که حرام تکلیفی نمی‌دانم تا بگویند خلاف احتیاط است، حرام وضعی من می‌دانم، خب حرام وضعی یعنی اگر عدول بکنم نمازم باطل می‌شود. من که می‌گفتم همین‌جوری هم می‌توانی نمازت را باطل کنی پشت به قبله

قرائت ۵

کمی بعد نماز جدید بخوانی با سوره فجر، حالا به احترام صاحب عروه می‌گوییم این کار را بکنی به نظر من این ابطال نماز است ولی از پشت به قبله کردن که دیگر بدتر نیست که جایز نیست، عدول کن به سوره فجر، صاحب عروه می‌گوید این نماز صحیح است، من می‌گویم این نماز باطل است ولی محل برای وفاء نذر باقی است چون نذر کردید طبیعی صلات صبح با سوره فجر باشد. که انصافاً این فرمایشات فرمایشات خوبی است.

ما کلمات بزرگان را در این جا می‌بینیم. بعضی مطالبی دارند برای ما نامفهوم است. اصل مطلب را گفتیم، اما مطالب بزرگانی در این جا هست نامفهوم است به این‌ها اشاره می‌کنیم. مطلب اول از آقای حکیم شروع کنیم.

کلام محقق حکیم

آقای حکیم در جلد ۶ از مستمسک صفحه ۱۹۵ مطالبی فرموده با فهم ما جور نمی‌آید. ببینید اگر با فهم شما جور می‌آید به ما کمک کنید. فرموده اذا نذر قراءة سورة معينة، همین سوره فجر مثلاً، فی صلاته فمرجع نذره الی احد امرین، می‌گوید مرجع نذرش به یکی از این دو چیز است که می‌گوییم: یا قید است که نذر می‌کند ان لا یقرأ سورة الا سورة الفجر، اگر این جور نذر کرد، تا سوره توحید را شروع کرد یادش آمد حرام است ادامه بدهد سوره توحید را، نهی دارد از اتمام سوره توحید چون مخالفت نذر است و لذا واجب می‌شود بر او عدول به سوره فجر. این یک فرض. فرض دوم این که مرجع نذرش این باشد که علی تقدیر اشتغال ذمتی بسورة من سوره فجر بخوانم، اگر این است من همین سوره توحید را تمام می‌کنم، می‌گوید من گفتم علی تقدیر اشتغال ذمتی بسورة لله علیّ که سوره فجر بخوانم، سوره توحید را که تمام کرد، دیگر شرط نذر از بین رفت.

مثل این که نذر می‌کند اگر تا یک هفته بچهام حالش خوب باشد من یک گوسفند ذبح می‌کنم، بچهاش حالش خوب شد، این هم دید بخاطر گرانی خیلی سخت است خرید گوسفند، می‌گوید خدایا مریض ابنی، بچه شروع می‌کند تب کردن، می‌گوید الحمدلله، شرط نذر من این بود که یک هفته بچهام خوب باشد، کاری کردم با این دعای خودم شرط از بین رفت، اشکال دارد؟ نه، چه اشکالی دارد. این جا هم همین جور است، شرط نذر قرائت سوره فجر این است که اشتغال ذمه داشته باشم به قرائت سوره، من سوره توحید را که می‌خوانم تمام می‌شود اشتغال ذمه‌ام هم تمام می‌شود.

اگر این فرض دوم است که این جا اصلاً در این فرض دوم چه اشکالی دارد من سوره توحید را تمام کنم، دیگر وفاء به نذر واجب نخواهد بود. و لذا حالا که جایز است این سوره توحید را تمام کنم و دیگر وفاء به نذر واجب نمی‌شود ادله حرمت عدول می‌گوید حالا که می‌خواهی تمام کنی عدول نکنی، حتماً همین کار را بکن.

بعد فرموده: ولی ظاهر از نذر همان فرض اول است. فرض دوم را ما همین جور گفتیم، ظاهر نذر همان فرض است، لله علیّ ان اقرأ سورة الفجر یعنی لله علیّ ان لا اقرأ سورة اخرى غیر سورة الفجر.

بعد ایشان فرموده: یک وقت از من نپرسید چرا آقایان در حاشیه عروه گفتند نذر باطل است. این‌ها در ذهن‌شان این است که در ظرف وفاء به نذر باید متعلق نذر راجح باشد و فکر می‌کنند در ظرف وفاء به نذر قرائت سوره فجر چون سوره توحید را سهوا شروع کردید وفاء به نذر راجح نیست، بلکه محلل حرام است، محلل عدول است. ولی این‌ها یک اشتباهی کردند و آن این است که یک قاعده‌ای ما گفتیم این‌ها فراموش کردند، اگر دو واجب بود هر دو مشروط بود که محلل حرام نباشد، باید نگاه کنیم به اسبق زمانا.

توضیح ذلک: در کتاب حج گفتیم، ما دو واجب داریم: حج، موضوعش مستطیع است، مستطیع کسی است که قدرت شرعیه دارد. یعنی هیچ حجتش مستلزم ترک واجب آخری نباشد، استطاعت شرعیه این است دیگر، اگر شما حج کنید مستلزم ترک واجب آخری نباشد، مستلزم این باشد که نفقه زوجات را ندهی، نفقه پدرت و فرزندت را ندهی، حج بر تو واجب نیست، پس ان استطعت فحج این می‌شود که لم یکن حجک مفوتا لواجب آخر فحج. نذر هم همین است که ان لم یکن نذرک مفوتا لواجب آخر فف بنذرک. هر دو مثل هم هستند. وقتی دو تا خطاب هر دو مشروط بودند به عدم کونه محلل للحرام او مفوتا للواجب، نگاه می‌کنیم به اسبق زمانا. اگر اول نذر کردی که شب عرفه بروی زیارت مسلم بن عقیل، بعد یک آدم پول‌داری داشتی فوت کرد، طبقه اول نداشت، طبقه دوم نداشت، شما ابعدها طبقه الثالثة هستی، اموال زیادی به ارث رسید به شما، می‌گویید حج بر من واجب است چون نذر کردم هر شب عرفه‌ای هر سال بروم زیارت مسلم بن عقیل چون روز عرفه شهید شده. این مقدم است. چرا؟ برای این‌که نذر و حج مثل هم هستند، حجّ ان لم یستلزم ترک واجب آخر، ف بنذرک ان لم یستلزم ترک واجب آخر، عرف می‌گوید هر کدام اسبق زمانا است، و آن موضوع دیگری را از بین می‌برد.

مثال واضح‌تر شرط است. شما روز شنبه شرط کردید با خانم‌تان در اول ماه که این ماه را با او به مسافرت بروید، بعدش حالا در ضمن یک عقد آخری با یک کسی شرط کردید که در روز جمعه در همین شهر با او قرارداد امضاء کنید، کدام شرط‌ها نافذ است؟ شرط اول. چرا؟ برای این‌که هر شرطی باید محلل حرام نباشد، شرط این‌که مسافرت کنید در ماه نباید محلل حرام باشد، نذر این‌که در روز جمعه در شهر باید قرارداد ببندید قرارداد تا شب طول می‌کشد با این آقا این هم مستلزم ترک واجب آخر است باید ببینید کدام اسبق زمانا است. چون وقتی شرط با خانمت می‌کردی آن موقع که واجب آخری نبود، شرطش حاصل است، شرط با همسرت مستلزم ترک واجب آخری نبود، او نافذ شد، تا نافذ شد آن شرط دوم می‌شود مستلزم ترک واجبی که قبلا توسط اوفا بالشروط در مورد شرط با همسرتان فعلی شد.

و انصافا این فایده فقهی فایده خیلی عرفی و متینی است.

[سؤال: ... جواب:] توارد است این جا نه تراحم. توارد یعنی هر کدام موضوع دیگری را از بین

می برد، عرف اسبق زمانا را مقدم می کند.

حرف بسیار متینی است. اگر حرف متینی است چرا قبول نمی کنیم ما؟ آن وقت می گویم چرا قبول نمی کنیم، ولی تطبیق کنیم بر مقام. ایشان می گویند: کدام ها مقدم است؟ ما یک نذری داریم نذر سوره فجر در نماز، شرطش این است که محلل حرام نباشد، نهی از عدول هم شرط دارد، آن هم باید مستلزم ترک واجب نباشد، چه فرق می کند، آن هم مشروط به قدرت است، آن هم انصراف دلیل فلا ترجع عن سورة التوحيد الى سورة اخرى یعنی اذا قدرت. و لذا در آخر وقت تکلیفا می توانی سوره را تمام کنی، ولی نمازت فوت می شود می گویند نکن، قدرت شرعی هم هست. وقتی هر دو شرط داشت اسبق زمانا همان نذر است، زودتر نذر کردی به آن وفاء کن.

می گوئیم: جناب آقای حکیم! این فرمایشات شما چند تا مطلب در آن هست که ما نفهمیدیم:

اشکال اول

یک: گفتید مرجع نذر سوره فجر در نماز صبح این است که ان لایقرأ سورة اخرى، می دانید معنایش چیست، معنایش این است که هیچ سوره ای را نخواند نه سوره دیگر نه سوره فجر، به نذرش وفاء کرده. و حال این که این نذر مرجوح است، این نذر باطل است. شما اگر نذر کنید در شب جمعه هیچ سفر زیارتی نروید مگر به جمکران، این معنایش این نیست که نذر کردید جمکران بروید، نخیر، می توانید در خانه تان گعده کنید، چون نذر کردید سفر زیارتی غیر از جمکران نروید. مثلاً نذر می کنید در غیر مهمانی شام نخورید، معنایش این نیست که در مهمانی شام بخورید، نذر کردید در غیر مهمانی شام نخورید، می توانید در مهمانی هم شام بخورید. نذر ان لایقرأ سورة اخرى این مرجوح است. مثل این که نذر کردید هیچ سفر زیارتی غیر از جمکران نروم، این مرجوح است، این یعنی سفر به کربلا نروم، سفر به مشهد نروم، سفر به شاه عبدالعظیم نروم، این مرجوح است، اصلاً این نذر منعقد نمی شود. باید نذر امر وجودی کنید، نذر کنید سوره فجر می خوانم، نذر کنید جمکران می روم، او عیب ندارد و لو نسبت به زیارت امام رضا ارجح نیست ولی فی حد ذاته راجح است، جمکران بروی مسجد است، نماز تحیت امام زمان می خوانی راجح است.

اشکال دوم

مطلب دوم: این که گفتید که ممکن است فرض دیگری بگوئیم: "مادام اشتغال الذمة بسورة من سوره فجر بخوانم". کسی که نذر می کند اقرأ سورة الفجر معنایش این است؟ اینی که شما می گوئید معنایش این است که اگر سوره دیگری نخوانم سوره فجر می خوانم. معنای این فرض دوم این است که اگر سوره دیگری در نماز نخوانم سوره فجر می خوانم. کی صاحب عروه این را می گوید؟ لله علی ان اقرأ سورة الفجر این است که ان لم اقرأ سورة اخرى فاقراً سورة الفجر؟! این اصلاً نباید مطرح بشود این جا. و الا

اگر مراد از اشتغال ذمه حدوث اشتغال ذمه است نه بقاء اشتغال ذمه، خب حدوث اشتغال ذمه که شده، تا ولا الضالین گفتیم بر من واجب است یک سوره دیگر بخوانم. اشتغال ذمه شده حدوثش. چرا می گویند بگذار بعد از این که سوره توحید را تمام کردی بقاء اشتغال ذمه می رود. بقاء اشتغال ذمه اگر شرط نذر نباشد بلکه حدوثش شرط باشد، حدوثش که هست.

اشکال سوم

و اما این مطلب سوم را هم بگوییم، توضیحش را بعدا می دهیم، شما فرمودید توارد، قبول، اما مثال هایتان درست نیست، نه مثال حج تان درست است نه مثال عدول تان. مثال حج تان باشد بحث حج که معنای استطاعت فحج این نیست که ان لم یکن مستلزما لترك واجب آخر فحج معنایش این نیست. مخصوصا آن واجب آخر واجب نذر است که شرط الله قبل شرطکم، نذر شرطکم است، حج شرط الله است، شرط الله قبل شرطکم، این ها حکم شان یکی نیست آقا. حج مفوت یک نذری است که منافی حج است، خب اشکال ندارد که مفوت اوست، شرط الله قبل شرطکم. و در مانحن فیه هم کی گفتند حرمت عدول شرطش این است که ان لایکون مفوتا لواجب آخر که آن واجب آخر هم واجب الهی نیست واجب نذری است، از کجای ادله این را فهمیدید. دلیل گفت اذا افتتحت بقل هو الله احد فلا ترجع، فوqش بگوید مستلزم ترک واجب الهی نباشد، اما ترک واجب بالنذر هم نباشد این را از کجا درآوردید. این ها مطالبی است که گفتیم ما این را نمی فهمیم.

حالا بقیه مطالبی که ما نمی فهمیم یا بحث کنیم، ان شاء الله روز شنبه.

و الحمد لله رب العالمین.